بهار

۹۲

روزنامه صبح ایران

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

www.baharnewspaper.com

دوشنبه | ۱۹ فروردین ۱۳۹۱ | ۲۷ جمادی الاول ۱۴۳۴ | ۸ آوریل ۲۰۱۳

شماره پیاپی ۲۵۹ | دوره جدید | شماره ۹۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

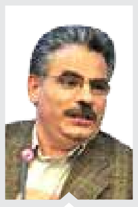

نعمت‌الله فاضلی | ظهور روشنفکران دو رگه

قضاوت درباره فضای فکری جامعه ایران کار بسیار پیچیده‌ای است. چراکه ما اکنون دسترسی دقیق و آگاهی همه‌جانبه‌ای از ابعاد فعالیت‌های فکری در ایران نداریم. می‌توان دو روایت کاملا متفاوت و متضاد از فعالیت‌های فکری در سال‌های اخیر ارائه داد. یک روایت می‌گوید ما بیش از

صفحه ۷

بهناز خسروی | سبک زندگی انتخاب فرد است

سبک زندگی یا Life Style برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها همه و همه تصورها و تصویرهایی بالقوه...

صفحه ۸

ولایتی رییس‌جمهوری آینده را پیش‌بینی کرد

یا من یا قالیباف یا حداد

علی‌اکبر ولایتی در نشست خبری خود در باشگاه خبرنگاران جوان فقط یک ساعت ماند و بیش از این حوصله پاسخ دادن به سوال‌ها را نداشت. در این نشست، تعداد عکاسان حاضر بیش از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بود. از ولایتی خواستند تا نخست او صحبت کند...

صفحه ۱۵

سرمقاله

حسین ملائک

چالش شمالی استراتژی غربی

صفحه ۱۰

جهانگیر هدایت

مرگی باشکوه

صفحه ۱۶

سید عمادالدین طباطبایی

رمزگشایی از عناوین پاپ‌های کاتولیک

صفحه ۶

محمد کیانوش‌راد

راهی نو

صفحه ۲

آیت‌الله جوادی آملی:

نمی‌توان با فحش و لعنت نظام اسلامی برقرار کرد

همین صفحه

سپاس مردم از آخرین نقش بدیعی

پیکر «عسل بدیعی» پس از اهدای اعضای بدنش به ۷ نفر تشییع شد

عکس: امیر پورمند / ایسنا

صفحه ۱۲

نامزدی جدید از اردوگاه احمدی‌نژاد

رحیمی وارد می‌شود

مشایی انتخاباتی بودن شعار «زنده باد بهار» را تکذیب کرد

صفحه ۱۵

از سوی مدیرعامل موسسه

زیان ۱۶ میلیاردی همشهری تایید شد

جامعه

نتایج حسابرسی‌ها در شورای شهر تهران نشان داده تولید و انتشار مجموعه مجلات همشهری در سال ۸۹ منجر به زیان حدود ۹ میلیارد تومانی شده و در سال ۹۰ هم این مجلات حدود هفت میلیارد تومان زیان داده‌اند. به این ترتیب شرکت همشهری برای انتشار مجلات در این دو سال بیش از ۱۶ میلیارد تومان ضرر کرده است.

صفحه ۱۴

دولتی‌ها مخاطب این گزارش نیستند

کسی پیدا می‌شود بگوید رشد اقتصادی یک درصد است

صفحه ۴

پیشخوان

سردار نقدی فرمانده بسیج خبر داد

برنامه‌ریزی دشمن برای قتل‌های مشکوک در انتخابات

عصر ایران

رییس سازمان بسیج گفت که دشمن برای اخلال در انتخابات آینده حتی قتل‌های مشکوک را هم در برنامه خود دارد. سردار محمد رضا نقدی گفت: دشمن طرح‌های روانی گسترده‌ای را برای جلوگیری از تحقق حماسه سیاسی تدارک دیده است و همه رسانه‌ها و دستگاه‌های سیاسی و جامعه خود را به حال آماده باش درآورده و علاوه بر جنگ روانی، بهره‌گیری از شرایط مذاکرات هسته‌ای و حتی قتل‌های مشکوک را همچنان فتنه ۸۸ در برنامه...

ادامه در همین صفحه

توضیح وزیر علوم درباره نامه احمدی‌نژاد برای برکناری روسای دو دانشگاه

اوامر رییس جمهوری اجرا می‌شود

وزیر علوم برکناری روسای دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس به دستور رییس‌جمهوری را تایید کرد. به گفته او احمدی‌نژاد اوایل بهمن در نامه‌ای غیررسمی در حاشیه جلسه هیات دولت از او خواسته در این زمینه اقدام کند.

صفحه ۱۴

خبر

رییس کمیسیون شوراهای مجلس:

حق انتشار روزنامه و نشریه برای احزاب تصویب شد

فارس

رییس کمیسیون امور شوراهای مجلس از تصویب حق انتشار روزنامه و نشریه برای احزاب در کمیسیون متبوعش خبر داد. امیر خجسته، نماینده همدان، در گزارش خود از جلسه اعضای کمیسیون متبوعش اظهار داشت: کمیسیون شوراها در اولین جلسه در سال ۹۲ کار خود را با ادامه بررسی قانون احزاب آغاز کرد. وی افزود: ادامه رسیدگی به نحوه فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشور، امروز با حضور دبیران منتخب احزاب و تشکل‌های سیاسی کشور، در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. رییس کمیسیون امور شوراهای مجلس با اشاره به جایگاه احزاب در کشور و لزوم حمایت از فعالیت قانونمند آنان، تصریح کرد: در اصلاح قانون تلاش شده تا حقوق و امتیازاتی برای احزاب در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی در نظر گرفته شود تا روند کار در این احزاب تسهیل شود و محدودیتی برای آنان ایجاد نشود؛ از جمله حق فعالیت سیاسی آزاد، اظهار نظر درباره تمام مسائل داخلی کشور، دایر کردن دفاتر استانی و شهرستانی، انتشار روزنامه و نشریه و تاسیس پایگاه اطلاع‌رسانی، حق برخورداری از حضور متناسب و بدون تبعیض در رسانه ملی، بهره‌مندی از کمک و یارانه‌های مصوب و برگزاری راهپیمایی‌ها و تشکیل اجتماعات از جمله حقوق اولیه برای احزاب در جلسه کمیسیون در نظر گرفته شد. نماینده همدان در مجلس مجهز بودن احزاب به فناوری‌های نوین و بهره‌مندی از امکانات به‌روز را از دیگر حقوق و نیازهای احزاب دانست و گفت: شرایط کنونی جهان و فعالیت احزاب در آن به نحوی است که لازم است تا احزاب کشور با استفاده از فناوری‌های نوین و مجهز بودن به این امکانات، سطح علمی و فهم و درک سیاسی و بین‌المللی خود را نیز افزایش دهند تا از این طریق پیام جهانی انقلاب اسلامی به راحتی به تمام دنیا صادر شود.

خبر

آیت‌الله جوادی آملی:

نمی‌توان با فحش و لعنت نظام اسلامی برقرار کرد

جهان نیوز

آیت‌الله جوادی آملی گفت: ما که در عالم تنها زندگی نمی‌کنیم، ما مشکلات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داریم، این‌ها را باید عاقلانه حل کنیم، تولی و تبری باید با مسئله امنیت جمع شود، این یک کار سیاسی و اجتماعی است. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در حاشیه درس تفسیر خود که در مسجد اعظم برگزار شد، به تفسیر آیات ابتدایی سوره مبارکه احزاب پرداخت و گفت: سوره مبارکه احزاب در مدینه نازل شد و عناصر محوری آن مسائل حکومتی و سیاسی است، تشریح و تاسیس نظام و ارتش اسلامی و پایگاه اقتصاد اسلامی در سوره‌های مدنی مطرح است، در سوره مبارکه احزاب از مرجوفون نام برده شد، مرجوفون کسانی هستند که خبرهای رجفه‌دار، لرزه‌دار و اراجیف را به جامعه انتقال می‌دادند، خبری که پایه و اساس ندارد رجفه‌دار است، این اخبار جامعه را ناآرام می‌کند، در این سوره احزاب پنج بار «یا أَیها النَّبِی» آمده که نشان از اهمیت مسئله است که گاه مسائل نظامی و مسائل خانوادگی است که این مسائل خانوادگی بعدها می‌تواند منشأ بسیاری از خطرها شود. وی با اشاره به این آیه از قرآن افزود: باید دانست که تاسیس و تشکیل حکومت کار آسانی نیست، «یا أَیهَا» ندا برای تنبه و از غفلت درآوردن یا برای تذکر و نشان دادن و حساس بودن این مطلب است، در جریان یا ایها النبی این نشان از حساس بودن موضوع است، در هیچ جای قرآن خداوند اسم حضرت را مورد خطاب قرار نمی‌دهد، آنجا که اسم حضرت را نظیر سوره آل عمران یا فتح یاد می‌کند برای آن است که به مردم بفهماند وجود آن حضرت سمتی به نام رسول‌الله یا نبی‌الله دارد، می‌خواهد بگوید که ایشان سمتی دارد، خداوند آن‌طور که با سایر انبیا اسم آنان را آورده است با پیامبر (ص) برخورد نکرده است، این نشان می‌دهد که ما نیز موظف هستیم با نبی با تجلیل و مودبانه سخن بگوییم. جوادی آملی خاطر نشان کرد: خداوند در آیه ابتدایی سوره احزاب به پیامبر (ص) می‌گوید تقوا داشته باش، تو کار مهمی در پیش داری و این مطلب با دست‌یابی به قله تقوا محقق می‌شود، جنگ، خون‌ریزی، اسیر دادن و کشته شدن اصحاب را در پیش داری، عزیزترین بستگانت را در این راه از دست می‌دهی و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیری، پیمودن این راه با تقوا ممکن است، این پیامبر اگر بخواهد با روش عادی با جامعه برخورد کند کار سختی است، باید قله تقوا را داشته باشد، وجود مبارک حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) کعبه را ساختند، بعد از مدتی این کعبه بتکده شد، همه بت‌ها را در آنجا گذاشتند، یک‌بار پیامبر (ص) به اینان بد نگفت و فحش نداد، فرمود از اینان کاری ساخته نیست، شما هم اگر بخواهید آرام زندگی کنید و از طرفی تکفیری نداشته باشید و از این طرف کشتار بیرحمانه روزانه در میانمار و بنگلادش و در شرق نداشته باشید باید به این روش عمل کنید، باید راه پیامبر را بروید، یک‌بار نشد که پیامبر (ص) به آنان فحش دهد. حضرت آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: مقداری که از شما برمی‌آید در راه صحیح قدم بردارید، خداوند نیز به شما کمک می‌کند، اگر کسی بخواهد یک حکومت و نظام اسلامی تشکیل دهد، راهکار مشخصی دارد، ادب اجتماعی و مردمی را حفظ کند و با بت‌پرست‌ها از راه برهان و مانند آن پیش می‌روند، به بت فحش دادن کاری را حل نمی‌کند، سب و لعن کاری را حل نمی‌کند، ما که در عالم تنها زندگی نمی‌کنیم، ما مشکلات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داریم، این‌ها را باید عاقلانه حل کنیم، تولی و تبری باید با مسئله امنیت جمع شود، این یک کار سیاسی و اجتماعی است، هم دارالتقریب، کارهای فقهی را باید مراجع و علما و اصولیین حل می‌کنند، اما اصل تولی و تبری از یک‌سو و برقراری امنیت و حفظ دما مسلمین از سوی دیگر باید جمع شود، این موضوع کمتر از جریان انرژی هسته‌ای نیست، از این طرف مدام سب و لعن و از آن طرف همواره کشتار، هر روز می‌شنوید که کشتاری صورت می‌گیرد، این امر در نهایت راه‌حلی دارد، این راهی دارد یا باید هر روز برای کشتار در میانمار، پاکستان، بنگلادش و میانمار غصه بخوریم، اگر این دین برای برقراری امنیت آمده است، راه‌حل دارد، تنها راه‌حل فقهی و اصولی نیست که حوزه علمیه انجام بدهد، این نیاز به راه امنیتی، مذاکره و مانند آن است، ما ناچار یک قدری افسوس و گریه می‌خوریم، یک ناله کردن و افسوس خوردن و مجلس ترحیم گرفتن کار ما شده است.

وی در پاسخ به سوالی درباره تفاوت میان لعن و سب اظهار داشت: لعن در کلیات است. سابقا این طور بود که اگر میان دو کشوری جنگ بود اگر ولیعهد یک کشوری می‌مرد، یک هفته آتش‌بس می‌دادند و بعد هم جنگ را ادامه می‌دادند، اما اگر ولیعهد عربستان می‌میرد، برخی می‌روند در کنار سفارت عربستان آجیل و شیرینی پخش می‌کنند، این امر نه واجب و نه مستحب و نه معقول و نه منقول است، جلوی این کارها را می‌شود گرفت؛ آن وقت انتظار داریم برای حجاج فرش قرمز پهن کنند؛ کارهای علمی و فقهی حوزه‌های علمیه سر جای خود محفوظ است، اما اگر بخواهد اجرایی و جهانی شود همه باید دست به هم دهند، هم مردم و هم ملت‌ها دست به دست هم دهند، همان کاری که با انرژی هسته‌ای می‌کنند، تا کی باید این دردها را تحمل کرد.

ادامه از همین صفحه

سردار نقدی فرمانده بسیج خبر داد

برنامه‌ریزی دشمن برای قتل‌های مشکوک در انتخابات

...خود دارد و همه توان خود را برای اخلال در انتخابات یا هرچه سردتر کردن حضور، به میدان آورده است. رییس سازمان بسیج مستضعفین در سخنرانی به مناسبت سال جدید شمسی در جمع کارکنان ستاد این سازمان اظهار داشت: حداقل نتیجه‌ای که دشمن می‌خواهد بگیرد منزوی کردن کاندیدای اصلح و ترویج ضعیف‌ترین کاندیدا است. خواسته آن‌ها این است که ضعیف‌ترین و زاویه‌دارترین فرد روی کار بیاید تا شاید بتواند در زورآزمایی‌های سیاسی و اقتصادی بر او غلبه کند. حماسه سیاسی بزرگ ما، برگزاری انتخاباتی امن، آرام، باشکوه و حضور حداکثری در انتخابات است. وی افزود: امسال بزرگ‌ترین حماسه سیاسی ملت ما، برگزاری انتخابات در فضایی آرام با مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح است. سردار نقدی افزود: دولت فریبکار آمریکای متجاوز همزمان با اعمال شدیدترین خصومت‌ها علیه ملت ایران و گسترش دادن دشمنی با ملت ایران به همه عرصه‌های ممکن که ساخت فیلم توهین‌آمیز علیه پیامبر اسلام تا دادن جایزه فرمایشی اسکار از سوی کاخ سفید به فیلم ضدایرانی از تحریم نفت و معامله با دلار و طلا تا حذف کشتی از المپیک و حتی قطع پخش ماهواره‌ای شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ایرانی در سطح جهان، سازماندهی گروه‌های تروریستی و انجام خشن‌ترین جنایت‌ها علیه نمازگزاران ایرانی توسط عواملی همچون ریگی تنها نمونه‌هایی از آن است. آمریکا به دروغ مدعی دوستی با ایران بوده و به‌دنبال فریب دادن افکار عمومی مردم جهان به‌ویژه مردم ایران است. وی ادامه داد: کنترل مصرف به‌ویژه قطع مصرف کالای خارجی یا کالاهایی که تولید آن وابسته به خارج است از اولی‌ترین ضرورت‌های حماسه اقتصادی است.

خبر

اجرای حکم اعدام «مه آفرید» در دست دادستان تهران

مهر

قاضی پرونده فساد بزرگ بانکی اعلام کرد: پرونده فساد بزرگ بانکی که مورد تایید دیوان‌عالی کشور هم قرار گرفته است برای اجرای حکم به دادستانی تهران ارجاع شده و دادستانی مامور اجرای حکم اعدام «مه آفرید» و دیگر متهمان است. ناصر سراج با بیان این که حکم نهایی و تایید شده ۳۷ متهم پرونده فساد بزرگ بانکی برای اجرا به دادستانی تهران ارجاع شده است گفت: این که سوال می‌شود حکم اعدام چهار متهم ردیف اول این پرونده چه زمانی اجرا می‌شود باید گفت که دادستانی تهران مامور اجرای حکم متهمان است. متهمان به ترتیب در بسیاری از موارد هم به جزای نقدی و هم حبس و چهار نفر هم به غیراز جریمه و رد مال به اعدام محکوم شده‌اند که به ترتیب باید این احکام اجرا شود.

وی در پاسخ به این که شما از سوی رییس قوه‌قضاییه مامور رسیدگی به پرونده مهدی هاشمی شده‌اید وضعیت این پرونده در چه مرحله‌ای است پاسخ داد: در مورد این پرونده من قصد صحبت کردن ندارم و پرونده در هر مرحله‌ای که باشد از سوی روابط عمومی قوه‌قضاییه اطلاع رسانی می‌شود.

زمان چهارمین جلسه دادگاه کهریزک ابلاغ نشده است

ایسنا

وکیل مدافع یکی از خانواده‌های قربانیان حادثه بازداشتگاه کهریزک گفت: هنوز زمان برگزاری چهارمین جلسه دادگاه کهریزک به وی ابلاغ نشده است.

محمدصالح نیکبخت گفت: هنوز زمانی به عنوان وقت رسیدگی به پرونده قضات کهریزک و برگزاری چهارمین جلسه این پرونده به اینجانب ابلاغ نشده است. بر این اساس شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با برگزاری سه جلسه در اسفند ماه سال ۹۱ رسیدگی به این پرونده جنجالی را آغاز کرد، اما پس از پایان سومین جلسه رسیدگی به این پرونده، آن طور که محمد اصلانی وکیل مدافع یکی از قضات تعلیقی در جمع خبرنگاران گفت: هیات قضایی شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با این عنوان که ممکن است دادگاه بخواهد در راستای برخی تحقیقات افرادی را به عنوان مطلع یا گواه دعوت کند تاریخ برگزاری جلسه بعدی را تعیین نکرد. بخش اعظم وقت جلسات اول و دوم رسیدگی به این پرونده به قرائت کیفرخواست و طرح شکایت از سوی شکات و وکلای مدافع آن‌ها اختصاص یافت. همچنین در جلسه دوم سعید مرتضوی دادستان سابق تهران ضمن تقدیم لایحه‌ای ۴۰ صفحه‌ای به دادگاه، دفاع از خود در مقابل کیفرخواست دادستانی و شکایت شاکیان را آغاز کرد که البته با نیمه تمام ماندن دفاعیاتش وی در جلسه سوم نیز به ارائه ادامه دفاعیات خود پرداخت.

جناب آقای فریدون وردی‌نژاد

درگذشت مادر ارجمندتان را تسلیت گفته و از درگاه خداوند برای آن مرحومه آمرزش و غفران و برای بازماندگان شکیبایی و اجر آرزومندیم.

بهروز گرانپایه، خسرو طالب‌زاده، عبدالله ناصری، کسری نوری
عبدالرسول وصال، سعید پورعزیزی

سامانه دریافت پیامک
۰۲۱۸۸۹۱۴۶۰۰

دریافت پیام های شما
۸۸۹۱۴۶۰۰

۸۸۸۸۱۰۵۰
۸۸۸۸۱۰۸۳

اوج بگیرید

سازمان آگهی‌های روزنامه بهار

عرفان از پنجره اقتصاد – قسمت دوم

«عید» یعنی عنکبوت نباشیم

دکتر محسن رنانی
دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان

دیروز قسمت نخست این مطلب را مطالعه کردید. امروز بخش دوم آن منتشر می شود.

در روانشناسی مدرن، اصطلاحی هست به نام «لحظه‌های حقیقی». می گوید انسان‌ها هنگامی سعادتمند هستند که بتوانند لحظه‌های حقیقی بیشتری در زندگی‌شان تولید کنند. لحظه حقیقی چیست؟ لحظه‌ای است که ما دلمان نمی‌خواهد تمام شود. لحظه‌ای است که اثرش و خاطره‌اش و احساسش تا سال‌ها و گاهی تا پایان عمر با ماست. لحظه‌ای است که نه تنها هنگامی که آن را درک کرده‌ایم، لذت فراوانی برده‌ایم، بلکه هرگاه یادمان می‌آید نیز لذت می‌بریم. لحظه‌ای است که دلمان می‌خواهد تکرار شود، دلمان می‌خواهد همه از آن باخبر شوند، لحظه‌ای است که از به دنیا آمدن و زیستن خود احساس خرسندی می کنیم و در یک کلام، لحظه‌ای است که زندگی ما را «معنی‌دارتر» می‌کند. در نظر بگیرید نخستین دقایقی را که عاشق و معشوقی به هم می‌رسند و در مقابل هم زانو می‌زنند و در چشمان هم خیره می‌شوند و اشک‌ها جاری می‌شود. در نظر بگیرید لحظه‌ای را که مادر و فرزندی پس از سال‌ها دوری یکدیگر را در آغوش می‌کشند. در نظر بگیرید لحظه‌ای را در پشت در اتاق عمل با نگرانی منتظریم و پزشک خارج می‌شود و خبر موفقیت‌آمیز بودن عمل جراحی عزیزمان را به ما می‌دهد. در نظر بگیرید لحظه‌ای که ناممان را در فهرست قبولی‌های کنکور می‌بینیم. در نظر بگیرید لحظه‌ای را که چکمان برگشت خورده است و دستگیرمان کرده‌اند و در کلانتری منتظر اعزام به سمت زندان هستیم ناگهان دوستی وارد می‌شود و بدهی ما را می‌پردازد و رضایت شاکی را می‌گیرد و آزادمان می‌کند. این‌ها همه، نمونه‌های لحظه‌های حقیقی هستند. به زبان روانشناسی، عید به معنی تولید لحظه‌های حقیقی است. هرگاه بتوانیم لحظه‌های حقیقی تولید کنیم، عید تولید کرده‌ایم.

در اقتصاد هم چند سالی است که شاخصی به نام شاخص «زمین خوشبخت» ابداع شده است. تاکنون برای مقایسه کشورها از شاخص‌هایی مثل درآمد سرانه، یا شاخص‌های توسعه مثل تعداد پزشک یا امکانات آموزشی و بهداشتی و نظایر این‌ها استفاده می‌شده است. یعنی فرض می‌کرده‌ایم که هرچه درآمد مردم کشوری بالاتر باشد یا هرچه مردم به امکانات بهداشتی و آموزشی بیشتری دسترسی داشته باشند، سعادتمندترند. اما به تازگی با معرفی شاخص «زمین خوشبخت» محاسبه می‌کنند که به طور متوسط مردم یک کشور چقدر انرژی مصرف می‌کنند و به ازای هر واحد انرژی که مصرف می‌کنند چقدر خوشبختی تولید می‌کنند. در واقع این شاخص می‌خواهد بگوید جامعه‌ای پویاتر است که با مصرف انرژی کمتری بتواند خوشبختی بیشتری تولید کند. یعنی میزان مطلق تولید خوشبختی ملاک نیست. بلکه مهم این است که هر سطح خوشبختی با مقدار کمتری از انرژی به دست آید. با این شاخص، تمام کشورهای غربی رتبه‌شان بعد از رتبه شصتم است و حتی آمریکا در میان کشورهای غربی پایین‌ترین رتبه را دارد.

اکنون می گوییم «عید» کارش این است که کمک می‌کند تا «لحظه‌های حقیقی» بیشتری یا احساس خوشبختی بیشتری را با مصرف انرژی کمتری به دست آوریم. ممکن است کسی با کلی خرج کردن و سفر با اتومبیل شخصی به سواحل آنتالیا در ترکیه، ۱۰ واحد «احساس رضایت» در خودش ایجاد کند. این فرد نه تنها برای کسب ۱۰ واحد رضایت، انرژی فراوانی (به شکل پول، وقت، انرژی بدنی و...) صرف کرده است بلکه آنتروپی زیادی نیز برای خودش و برای جامعه تولید کرده است (به شکل تولید دود ناشی از سفر با خودرو، استهلاک خودرو، خستگی راه، تغییر در برنامه‌های زندگی و کاری و نظایر این‌ها). اما فرد دیگری می‌تواند بدون خرج زیاد و با رفتن به دیدار یک دوست اهل ادب و خواندن چند غزل از اشعار حافظ و گفت‌وگو درباره آن اشعار به همان ۱۰ واحد «احساس رضایت» دست یابد. این دومی توانسته است «عید» تولید کند. یعنی بدون هدر دادن زیاد انرژی و با تولید کمترین حد آنتروپی، احساس رضایت تولید کند. اما اولی تنها با افزایش شدید مصرف خود از کالاهای مختلف- یعنی با صرف انرژی بسیار زیاد- توانسته به همان مقدار رضایت دست یابد. در یک کلام، «عید» یعنی تولید «احساس خرسندی» با حداقل مصرف انرژی و حداقل تولید آنتروپی.

فناوری تولید عید

اکنون می‌خواهیم درباره روش‌ها صحبت کنیم و این که چگونه می‌توان لحظه‌های حقیقی یا عید تولید کرد. می‌دانیم که تولید هر کالایی نیازمند داشتن مدیریت و کاربرد مواد اولیه و فناوری خاصی است. اکنون ببینیم مواد اولیه و فناوری تولید عید چیست. بگذارید تا سری به یکی از کارخانه‌های تولید عید بزنیم و از زبان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان عید در این‌باره سوال کنیم. به خدمت حضرت مولانا جلال‌الدین می‌رویم و دیوان غزلیات او- که محصول کارخانه عیدسازی اوست- را می‌گشاییم. در همان نگاه اول به این بیت برمی‌خوریم:

صوفیان در دمی دو عید کنند
عنکبوتان مگس قدید کنند

این جا حضرت مولانا روش عارفان را با روش عنکبوتان در برابر هم قرار می‌دهد. در واقع مولوی با خود عنکبوتان کاری ندارد با کسانی که مانند عنکبوتان زندگی می‌کنند کار دارد. به دیگر سخن مردم را در یک طیف قرار می‌دهد که یک سوی آن عارفانند و یک سوی دیگرش عنکبوت‌صفتان. اول ببینیم عنکبوتان چه می‌کنند. «قدید» به گوشت یا موادغذایی دیگری می‌گویند که در قدیم به منظور ذخیره‌سازی و برای پرهیز از فاسد شدن آن را خشک می‌کرده‌اند. در واقع در گذشته برای کنسرو کردن غذا، آن‌ها را خشک یا نمک‌سود می‌کرده‌اند. پس معنی امروزین «قدید» می‌شود «کنسرو». می‌دانید که عنکبوتان مگس را می‌گیرند و آنقدر اطراف آن تار می‌تنند که مگس در میان تارهای آن‌ها دفن می‌شود. در واقع مولوی این عمل را به این تعبیر می‌کند که عنکبوت با گوشت مگس کنسرو درست و آن را برای آینده ذخیره می‌کند. تمام عمر عنکبوت، صرف کمین کردن، دام تنیدن، گرفتن مگس و قدید کردن آن سپری می‌شود. هر بار، اندکی از قدیدهایش را می‌خورد و دوباره به شکار مگس و قدید کردن آن می‌پردازد. عنکبوت حتی مگس تازه هم نمی‌خورد، بلکه همواره مگس مانده و قدیدشده می‌خورد. اکنون ببینید در این عمل عنکبوتان سه نکته نهفته است: نخست به مگس یعنی به غذایی حقیر اکتفا کردن، دوم قدید یا ذخیره کردن و سوم همواره غذای مانده خوردن.

در واقع مولوی کسانی را که همه عمر کارشان انباشت کردن است-فرقی نمی‌کند چه چیزی را-به عنکبوت تشبیه می‌کند. اما افرادی که همه زندگی‌شان انباشت و قدید کردن است، معمولا هم عمرشان صرف چیزهای حقیر می‌شود. اینان همواره نیز اسیر گذشته‌اند: حرف‌های قدیمی، اختلافات گذشته، افتخارات نیاکان، ثروت گذشتگان و نظایر این. ما نیامده‌ایم که انباشت کنیم. اما عده‌ای فقط می‌دوند که انباشت و آن را برای روزی قدید کنند که خودشان هم نمی‌دانند کی خواهد بود. برای عده‌ای انباشت کردن و قدید کردن انواع چیزها هدف شده است. در حالی که زندگی خودش هدف است. زندگی «هدفْ سر خود» است. یعنی زیستن به گونه‌ای که همواره زنده‌تر و همواره «جاندارتر» شویم. ببینید ما همه انسان‌ها را عاقل (برخوردار از قوه تمییز) می‌دانیم، اما میزان بهره هوشی انسان‌ها متفاوت است. پس درجه عقلانیت ما متفاوت است. به همین ترتیب ما همه جانداریم و زنده‌ایم اما درجه زنده بودن ما متفاوت است. داستان درجه زنده بودن بحث مفصلی است که اکنون مجال بازکردن آن نیست.

در هر صورت مولوی آنان که همه هدف زندگی‌شان انباشت و قدید کردن است و آنانی که در زندگی به

> **مولوی کسانی را که همه عمر کارشان انباشت کردن است– فرقی نمی‌کند چه چیزی را– به عنکبوت تشبیه می‌کند. اما افرادی که همه زندگی‌شان انباشت و قدید کردن است، معمولا هم عمرشان صرف چیزهای حقیر می‌شود. اینان همواره نیز اسیر گذشته‌اند: حرف‌های قدیمی، اختلافات گذشته، افتخارات نیاکان، ثروت گذشتگان و نظایر این.**

اهداف و مسائل حقیر اکتفا می‌کنند و آنانی را که همیشه در بند گذشته‌اند، عنکبوت‌صفت می‌داند و آنان را در برابر عارفان قرار می‌دهد. می گوید عارفان هر لحظه دو بار عید می‌کنند. یعنی هم هنگام دم و هم هنگام بازدم نشاط تازه‌ای می‌گیرند. تا به حال عزیز از سفر بازگشته‌ای را عمیق بوسیده‌اید؟ بوسه در فاصله یک دم و بازدم اتفاق می‌افتد. نفسی می‌گیریم و بوسه‌ای می‌رباییم. هم پیش از بوسیدن نشاط می‌گیریم و هم پس از بوسیدن. اکنون عارفان که همه وجودشان احساس حضور و آگاهی عمیق در پیشگاه محبوب است و هر لحظه با محبوب به سر می‌برند، گویی هر لحظه از رخ زیبای او بوسه‌ای بر می‌گیرند و هر لحظه از نگاه در چشمان او مست می‌شوند. چنین کسانی در زندگی مجال انباشت و قدید کردن ندارند. وقتی همه وجود کسی انباشته از حضور و آگاهی و درک حال است، دیگر وقت، انرژی و مجالی برای انباشت نمی‌ماند. عارفان در لحظه و نقدا مصرف می‌کنند. اما عنکبوت‌صفتان، نسیه مصرف می‌کنند.

پس از نظر مولوی کسی می‌تواند اوقات بیشتری را عید داشته باشد که در زندگی از فکر انباشتن و قدید کردن عبور کند و در کنار این، به اهداف حقیر نیز اکتفا نکند و مهم‌تر از این، در حال و «در لحظه» زندگی کند. امروزه کلمه «آنلاین» (On Line) را گاهی «بر خط» و گاهی «در لحظه» ترجمه می‌کنند. آنلاین یعنی همواره متصل بودن. نزد عارفان ما عید داشتن یعنی آنلاین بودن با هستی. یعنی با محیط، انسان‌ها، طبیعت، حیوانات و در یک کلام با کل هستی ارتباطی زنده و سازنده و دلپذیر داشتن. اما این ارتباط با محوریت محبوب و از دریچه محبت است. باز حضرت مولانا در مثنوی شریف می‌فرماید:

صوفی ابن‌الوقت باشد ای رفیق
نیست فردا گفتنت شرط طریق

امروزه معنی «ابن‌الوقت» عوض شده است و آن را به معنی «فرصت‌طلب» به کار می‌برند. اما در قدیم به معنی «فرزند زمان خویش بودن» و دقیق‌تر بگوییم، به معنی «در لحظه زندگی کردن» بوده است. درواقع مولوی می‌گوید عارفان «در لحظه» زندگی می‌کنند و غم گذشته و آینده را نمی‌خورند و کسی که همه چیز را به فردا موکول می‌کند، سالک نیست. سعدی نیز می‌گوید:

چو دی رفت و فردا نیاید به دست
حساب از همین یک نفس کن که هست

یعنی لحظه‌های حال را در افسوس دیروز و در آرزوی فردا بر باد مده. هر لحظه‌ای «روزی» خودش را دارد و آن را نباید از دست داد. آنان که همه هدفشان انباشت و قدید کردن است، بخشی از «روزی حال»شان صرف نگرانی و نگهداری ذخیره‌های گذشته‌شان می‌شود و بخش دیگر آن نیز صرف نگرانی و محاسبه برای افزودن بر آن در آینده و این داستان وقتی افسوسناک می‌شود که آنچه نگرانش هستیم، «مگس‌گون» و حقیر نیز باشد. اما به طور کلی در هر چیزی که عمرمان را صرف کنیم و هدفمان ذخیره کردن آن باشد، عنکبوتی عمل کرده‌ایم. ذخیره ثروت، قدرت، شهرت و حتی علم اگر معطوف به هدف والاتری نباشد و خودِ «بیشتر داشتن» موضوعیت پیدا کند، از ما عنکبوتی می‌سازد که کارش «قدیدگری» است. هر کس کارش قدیدگری شد، عید به زندگی او راه ندارد چراکه عید مستلزم عبور از گذشته و امید به آینده و زیستن «در لحظه» است. دقت کنید امید به آینده از نگران آینده بودن و حال را برای آینده ضایع کردن متفاوت است. امید به آینده کمک می‌کند تا ما از «حال» نیز بهتر استفاده کنیم. اما نگران آینده بودن فرصت «حال» را نیز ضایع می‌کند.

در واقع نکته این است که افسوس برای گذشته یا نگرانی برای آینده، در وجود ما و در زندگی ما آنتروپی ایجاد می‌کند. گاهی می‌بینیم وقتی بزرگ‌ترها دعوایشان می‌شود، مسائل و اختلافات سال‌های دور را دوباره پیش می‌کشند و زنده می‌کنند. این ماندن در گذشته است. یعنی آنان یک نطفه آنتروپی‌زا را در وجود خود حفظ کرده‌اند که هر گاه شرایط مساعد می‌شود، آن نطفه شروع به تکثیر می‌کند و آنتروپی می‌آفریند.

پس اولین گام برای داشتن فناوری تولید عید، این است که یک ارزیابی از خود بکنیم که آیا زندگی‌مان عنکبوتی است یا نه؟ آیا بخش بزرگی از تلاشمان و نگرانی‌مان و صرف انرژی‌مان و دویدنمان برای ذخیره است و برای حفظ ذخیره‌های گذشته‌مان است یا نه؟ این که چه چیزی ذخیره می‌کنیم تفاوتی در مسئله ایجاد نمی‌کند. ممکن است کسی همه همتش انباشت ثروت باشد، یعنی وقت، آرامش، عمر، سلامت و روزی‌های حال خود را وقف قدید کردن ثروت می‌کند. چرایش را نمی‌داند فقط می‌داند که تورم است و اگر نکوشد ارزش ثروتش کم می‌شود. فقط می‌داند که رقبایش سخت در تلاشند و دارند از او سبقت می‌گیرند و باید بیشتر بکوشد. فقط می‌داند که اگر فلان سهام را بخرد تا سال دیگر سودش دوبرابر می‌شود. فقط می‌داند که بانک‌ها وام با سود ۱۲ درصد می‌دهند و نرخ بهره بازار ۳۰ درصد است پس می‌تواند وام بگیرد و از این مابه‌التفاوت سود ببرد و نظایر این‌ها. به همین ترتیب ممکن است فرد دیگری همه همتش انباشت قدرت باشد و تمام تلاشش این باشد که با روش‌های مختلف رقبای خود را حذف یا نابود و قدرت خود را بیشتر کند. ممکن است فرد دیگری تمام انرژی‌اش صرف کسب شهرت و محبوبیت شود. به همین ترتیب، یکی را مد اسیر کند، یکی را لباس، یکی را خودرو، یکی را دین‌فروشی و ریا، یکی را جاه یعنی وجیه بودن در میان خلق و یکی را علم. آری حتی علم. اگر فرد همه هدفش این شد که در علم سرآمد باشد، مقاله بیشتری بنویسد، شهره عالم شود، فلان رتبه یا جایزه را بگیرد و همه برایش کف بزنند او نیز رفتارش عنکبوتی است. علم از جنس نور است. یعنی همچون نور، روشنی‌بخش و گرمابخش است. اگر علم نتواند این دو ویژگی را در ما ایجاد کند، ما عالم‌تر نشده‌ایم، بلکه ذهن ما انباری از نظریه‌ها و مفاهیم غریب و حرف‌های قشنگ شده است و این‌ها را انبار کرده‌ایم تا بفروشیم. چنین کسی ذهنش سوپرمارکتی است که چیزهای زیادی را در آن انبار کرده است تا بفروشد و دایم هم تلاش می‌کند تا این انبارش بزرگ‌تر شود. پس کسی که ظاهرا خیلی عالم است اما حضورش برای خودش، خانواده‌اش، جامعه‌اش و جهانیان مایه محبت و صفا و گرمی و مایه روشنی نیست، او نیز عنکبوتی عمل می کند. یادمان نرود که گرمی و روشنی در زندگی ما موجب کاهش بی‌نظمی و آشوب یعنی کاهش آنتروپی می‌شود. وقتی نور نیست راه‌ها را از چاه‌ها باز نمی‌شناسیم. وقتی گرمی هم نیست، امکان حرکت از ما سلب می‌شود و علم باید این دو را با خودش بیاورد. عالم حقیقی کسی است که وجودش نورآفرین و گرمابخش است. کسی که ظاهرا خیلی عالم است و از ده‌ها مرکز و صدها استاد تاییدیه علمی، مقاله و کتاب دارد، اما هنوز ناشکیبا، بداندیش، بدکلام، بدگمان، پرنخوت و بی گذشت است، او نیز عنکبوتی بیش نیست که فقط علم قدید کرده است و چنین می‌شود کسی که همه همتش مصروف قدید کردن ثروت یا شهرت یا قدرت یا دین‌فروشی و جاه یا علم می‌شود، دیگر گذشت یا وقت یا حوصله‌ای ندارد که در زمان حال یا برای درک حال صرف کند. پس دیگر گذشت ندارد به دیگران سلام کند، حوصله ندارد دلی را به دست آورد، وقت ندارد به مادرش سری بزند، در شأن خود نمی‌داند برای کمک به همسرش ظرفی بشوید، وقت ندارد فرزندش را به مدرسه برساند، حوصله ندارد به درد دلی گوش کند، وقت ندارد کتابی بخواند، وقت ندارد کنسرتی را ببیند، اهمیتی نمی‌دهد که بچه گربه‌ای را نوازش کند، وقت ندارد گلی را آب دهد و در یک کلام، وقت ندارد خودش را ببیند.

مواد اولیه لازم برای تولید عید

چه باید کرد؟ از یک قاعده ساده باید شروع کرد. به اندازه نیاز انباشتن و به اندازه نیاز خوردن. این قاعده در مورد معده خیلی روشن است. خیلی خوردنی‌هاهست و سفره پر از انواع نعمت‌هاست. اما ما چقدر می‌خوریم؟ به اندازه‌ای که معده‌مان ظرفیت دارد به گونه‌ای که موجب درد دل و سایر مسائل گوارشی نشویم. آنان که اندکی حواسشان جمع‌تر است، به اندازه ظرفیت معده نمی‌خورند بلکه به اندازه نیاز بدنشان می‌خورند. در این صورت جوان‌ترها باید بیشتر بخورند اما پیران نیاز غذایی کمتری دارند. پس دو قاعده سرانگشتی داریم: «ظرفیت» و «نیاز». در واقع مواد اولیه لازم برای تولید عید، رعایت این دو معیار است. این را می‌توان به همه

> **ذخیره ثروت، قدرت، شهرت وحتی ذخیره علم اگر معطوف به هدف والاتری نباشد و خودِ «بیشتر داشتن» موضوعیت پیدا کند، از ما عنکبوتی می‌سازد که کارش «قدیدگری» است. هرکسی کارش قدیدگری شد، عید به زندگی او راه ندارد چراکه عید مستلزم عبور از گذشته و امید به آینده و زیستن «در لحظه» است.**

چیز تعمیم داد. هر کدام از ما «ظرفیت وجودی» محدود و به همین ترتیب نیاز معینی داریم. در کسب همه چیز باید این دو را در نظر بگیریم. البته هرچه این قاعده را رعایت کنیم، «ظرفیت وجودی»مان بیشتر رشد می‌کند. همان گونه که هیچ کسی نمی‌تواند بیش از تحمل معده‌اش بخورد و اگر چنین کند به مشکلات گوارشی مبتلا می‌شود، در مورد خوردنی‌های دیگر (مانند علم، ثروت، شهرت، هنر، رفیق، سفر، اتومبیل، مسکن و...) هم باید اندازه تحمل روحی و ظرفیت وجودیمان را در نظر بگیریم. اگر بیش از آن کسب کنیم یا بخوریم به انواع بیماری‌های روحی، جسمی و وجودی گرفتار می‌شویم. مگر نه آن که هنگام غذا خوردن نگاه نمی‌کنیم که دیگران چقدر می‌خورند تا ما از آنان بیشتر بخوریم، بلکه به ظرفیت معده یا نیاز بدنمان نگاه می‌کنیم؟ و مگر نه آن که اگر ما خوراک خود را براساس مقدار و نوع خوراک دیگران تنظیم کنیم یا بیماریم یا بیمار می‌شویم؟ در مورد دیگر خوردنی‌ها و دیگر «روزی»ها نیز باید چنین کنیم.

پس ثروتمندی که نمی‌تواند ببیند همسایه‌اش خانه بهتری دارد و خودش را به زحمت می‌اندازد تا خانه‌اش را جوری تغییر دهد که از خانه همسایه‌اش جذاب‌تر شود، بیمار است. همان گونه که قدرتمندی که نمی‌تواند تقسیم قدرت با دیگران را تحمل کند یا نمی‌تواند هیچ انتقادی را بپذیرد و می‌خواهد همه تحسین‌ها به سوی او باشد، بیمار است و فروشنده‌ای که وقتی می‌بیند ویترین فروشگاه کناری از ویترین فروشگاه او جذاب‌تر است به آب و آتش می‌زند تا ویترین زیباتری تعبیه کند، او نیز بیمار است و تحصیلکرده‌ای که از رشد علمی و شهرت همگنانش پریشان می‌شود او نیز بیمار است و بعد، همه این بیماران نه تنها فرصت لذت بردن از «حال» را از دست می‌دهند، بلکه آینده‌شان را نیز ضایع می‌کنند تا از دیگران پیشی بگیرند.

بنابراین گام اول برای تولید عید در وجودمان و در محیط زندگی‌مان این است که از هر چیزی «به اندازه ظرفیت» بخوریم و «به اندازه نیاز» کسب کنیم. در این صورت دیگر قدید کردن چیزهای خوب، اولویت ما نخواهد بود بلکه استفاده کردن از آن‌ها در زمان حال و برای درک حال و برای کمک به رشد وجودیمان، مسئله خواهد بود. بگذارید مثالی بزنم. کسی به کتابفروشی می‌رود تا تعدادی کتاب نفیس برای تزیین دکوراسیون خانه‌اش بخرد. قیمت‌های گزافی می‌پردازد و کتاب‌های سنگینی می‌خرد و با مشقت به خانه می‌آورد و در دکوراسیون خود می‌چیند و هر هفته هم آن‌ها را گردگیری می‌کند. فرد دیگری هم می‌رود تا کتابی را که به آن نیاز دارد بخرد و از همان داخل کتابفروشی هم خواندن آن را آغاز می‌کند. در راه هم روی نیمکت پارک می‌نشیند و بخش زیادی از آن را می‌خواند و لذت می‌برد. وقتی هم که خواندن کتاب تمام شد آن را به رفیقی می‌دهد تا او هم بخواند. تفاوت زیستن در حال و دویدن برای انباشت کردن به همین سادگی تفاوت این دو فرد است و اگر نگاه کنیم زندگی ما آکنده از این دویدن‌ها برای انباشت کردن‌هاست و گردگیری‌ها برای پُز دادن‌هاست.

امروز در زندگی ما همه چیز از رقابت آغاز می‌شود و همه چیز به رقابت ختم می‌شود و البته این از اقتضائات جوامع مدرن است. «رقابت» جوهره اصلی اقتصادهای مدرن است. بدون رقابت توسعه جوامع متوقف می‌شود. اما یادمان باشد که آنچه در سطح کلان لازم یا خوب است الزاما در سطح خرد لازم یا خوب نیست. اصطلاحا می گویند گاهی «رذایل فردی» موجب «حسنات جمعی»‌اند و برعکس. مثلا جامعه زندان نیاز دارد، اما نیازی نیست ما نیز در خانه‌مان اتاقی را به عنوان زندان تعبیه کنیم. یا برعکس، خوب است که ما با افراد دزد وصلت نکنیم، اما بد است که مجلس قانونی برای کل جامعه بگذارد که وصلت با دزد را ممنوع کند. چون این قانون موجب فساد بیشتر می‌شود. به همین ترتیب رقابت که یک ویژگی لازم در سطح جامعه است می‌تواند در سطح فردی، ویرانگر باشد و رذیلت تلقی شود. آری این گونه است. رقابت آنتروپی‌افزاست. اما در سطح کلان، چون موجب حرکت و زایندگی و خلاقیت می‌شود، نهایتا با تولید انرژی‌های جدید، آنتروپی خود را جبران می‌کند. ولی رقابت در سطح خرد و فردی، تنها آنتروپی ایجاد و ما را مستهلک می‌کند. ممکن است رقابت ما در زمینه‌ای موجب رشد جامعه شود اما بی گمان برای خودمان مستهلک کننده و آنتروپی‌افزاست.

پس گام دیگری که باید برداریم، عبور از رقابت است. یعنی اصولا بکوشیم در همه کارهایمان از لاین سبقت (خط رقابت) کنار بکشیم. ببینید در رانندگی در بزرگراه‌ها یک لاین سبقت وجود دارد. یعنی کسانی که می خواهند سبقت بگیرند باید در لاین سمت چپ جاده حرکت کنند. وقتی که ما وارد لاین سبقت می‌شویم دائم باید سرعت خود را با خودرو جلویی و عقبی چک کنیم. عقبی می‌خواهد سبقت بگیرد و ما برای این که نخواهیم از لاین سبقت خارج شویم باید دائم بر سرعت خود بیفزاییم. بعضی وقت‌ها هم رانندگان با هم لج می‌کنند و برای کم کردن روی یکدیگر هی گاز می‌دهند. پایان کار چیست؟ یا تصادف و خسارت است، یا خستگی و کوفتگی ناشی از انقباض عضلات و فشار شدید عصبی هنگام رانندگی با سرعت بالا، یا جریمه شدن توسط پلیس. نهایتا اگر هم سالم به مقصد برسند، فرصت‌های لذت بردن از مسیر سفر و دیدن مناظر زیبا و گل‌های کنار جاده و لذت بردن از پخش موسیقی و نجوای آرام با همسفری خود را از دست داده‌اند. یعنی یک سفر آکنده از آنتروپی داشته‌اند و چقدر انرژی هدر داده‌اند. داستان حرکت در «لاین سبقت» در همه زمینه‌های زندگی روزمره تکرار می‌شود: در خرید اتومبیل، خرید لباس، برگزاری جشن‌های خانوادگی، چیدمان دکوراسیون منزل، گرفتن مراسم روضه و عزاداری، برگزاری مراسم شب هفت درگذشتگان و نظایر این‌ها. نقطه آغازین برای تکثیر عید در زندگی، خروج از «لاین سبقت» در تمامی زمینه‌های زندگی است. یعنی به جای آن که در زندگی‌مان دائم به کیلومترشمار سرعت نگاه کنیم، به عقربه «ظرفیت» و به عقربه «نیاز» نگاه کنیم.

به گمان من در زندگی فردی، رقابت ام‌الفساد است. فرموده‌اند دروغ دریچه همه گناهان است. درست است، از نظر فقهی، دروغ دریچه گناهان است. چون نمی‌توانسته‌اند رقابت را گناه اعلام کنند. به همان دلیلی که گفتم. یعنی رقابت گرچه یک رذیلت فردی است اما یک حسنه اجتماعی است یعنی بدون آن رشد جامعه متوقف می‌شود. اما به گمان من در زندگی فردی «رقابت» ام‌الفساد است. بسیاری از انسان‌ها که زندگی طبیعی و معقولی دارند معمولا نیازی به دروغ گفتن ندارند. چون زندگی بازی تکراری است یعنی ما بارها و بارها به یکدیگر برخورد می‌کنیم، به یکدیگر نیازمند می‌شویم و با یکدیگر همکاری می‌کنیم. به همین علت کم کم می‌آموزیم که دروغ گفتن این تعامل سازنده متقابل را از بین می‌برد. یعنی رشد مداوم در زندگی‌های امروزی مستلزم اعتماد است. پس برای منافعمان هم که شده است می‌آموزیم که دروغ نگوییم و اعتماد دیگران را جلب کنیم. اما بخش بزرگی از ما که دروغ نمی‌گوییم و آدم‌های خوبی هم هستیم، باز اسیر رقابتیم و زندگی‌مان به علت آنتروپی ناشی از رقابت، دلپذیر نیست و سطح خرسندیمان از زندگی پایین است.

بهار سرگردان بورس

بازار سرمایه
شاهین یاسمی

این روزها با به پایان رسیدن تعطیلات نوروزی شاهد شروع به کار جدی در کشور هستیم که این موضوع شامل حال بورس هم می‌شود. آمار و ارقام تا پایان هفته گذشته نشان می‌دهد که بورس در سال ۹۲ شروع مطلوبی را به نمایش گذاشته است که برای این روند چند دلیل می‌توان عنوان کرد. اول اینکه، بازار سرمایه در ماه‌های پایانی سال ۹۱ و به‌ویژه در اسفندماه با نوسان منفی قابل توجهی روبه‌رو شد که این نوسان منفی دو دلیل عمده داشت؛ دلیل اول این اتفاق به صورت سنتی در اسفندماه هر سال به دلیل احتیاج بیشتر به نقدینگی فعالان بازار سرمایه رخ می‌دهد که در آن زمان اهالی تالار شیشه‌ای اقدام به شناسایی سود و عرضه سهم برای تامین نقدینگی مورد نیاز خود می‌کنند و اما دلیل دوم این است که در اسفندماه سال ۹۱ بنا به وعده مسئولان قرار بود عرضه اولیه مهم هلدینگ خلیج‌فارس صورت پذیرد که فعالان بازار سرمایه برای حضور در این رقابت اقدام به افزایش توان نقدینگی خود کردند. هرچند در دقایق پایانی کاری بورس در سال ۹۱ این عرضه انجام شد اما به دلیل کشف قیمت نامعقول این سهم، عملا عرضه این سهم با موفقیت همراه نشد و تاکنون هم خبری از زمان عرضه مجدد این سهم منتشر نشده است. مجموع این عوامل درونی در بازار سرمایه باعث شد با آغاز سال جدید اکثر نمادهایی که به لحاظ بنیادی در وضعیت مطلوبی قرار داشتند اما به دلایل مذکور در ماه‌های پایانی سال ۹۱ با افت قیمت مواجه شده بودند در سال جدید با اقبال فعالان بازار سرمایه مواجه شده و رشد قیمت خوبی را در روزهای تعطیلات نوروزی به ثبت رسانند.

مهم‌ترین سوالی که این روزها ذهن فعالان بازار را به خود معطوف کرده و اثر آن نیز در روند معاملات هفته گذشته مشخص بود، چگونگی روند حرکتی شاخص‌های بورس و قیمت سهام شرکت‌ها، بی‌نتیجه ماندن مذاکرات هسته‌ای در آلماتی است. برای پاسخ به این سوال تنها کافی است تا نیم‌نگاهی به سال گذشته داشته باشیم؛ سالی که در آن چالش‌های سیاسی خارجی کم نبود و سهام شرکت‌های بورسی نیز نوسانات زیادی را تجربه کردند اما نهایت امر به رشد حدودا ۱۲ هزار واحدی شاخص کل بورس و بازدهی بیش از ۲۵ درصدی بازار سرمایه ختم شد؛ جایی که بازدهی بیش از ۶۵ درصد شرکت‌های فعال بورسی بیش از ۴۰ درصد گزارش شد. براین اساس با نگاهی به سودهای پیش‌بینی‌شده شرکت‌ها در سال ۹۱ و مقایسه آن‌ها با سودهای محقق‌شده به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت داخلی و بنیادی اکثر شرکت‌های بورسی فعال در صنایع مختلف مطلوب بوده و حتی فراتر از انتظار نیز حرکت کرده‌اند که این اتفاق درحالی به وقوع پیوسته که در این سال تحریم‌های اقتصادی ضد ایران تشدید شده و چالش‌های بیشتری بر سر راه شرکت‌ها قرار گرفته بود. در سال ۹۱ تهدیدهای خارجی برای برخی از شرکت‌های بزرگ و تاثیرگذار بورسی به فرصت تبدیل شد، دیگر در این سال با تشدید تحریم‌های اقتصادی خبری از صف‌های فروش نبود و اهرمی به نام «دلار» در صورت‌های مالی شرکت‌ها جای خودش را باز کرد و دلیلی شد برای تشکیل صف‌های خرید بر سهام شرکت‌های صادرکننده یا شرکت‌هایی که اصلا ارزبری نداشتند. هرچند افزایش بسیار قابل توجه قیمت دلار در این سال برای مدت‌زمان کوتاهی سرمایه‌ها را به سمت بازار ارز سوق داد اما خیلی زود مجددا سرمایه‌ها به بورس بازگشت و در رشد قیمت سهام شرکت‌ها و افزایش حجم معاملات خودش را نشان داد. البته فراموش نکنیم که اگرچه بازدهی بازار ارز در سال ۹۱ از بازار سرمایه بیشتر بود اما با مقایسه رشد قیمت دلار با بازدهی سهام شرکت‌های بزرگ و پرمتقاضی بورس در سال ۹۱ به عددهایی بالاتر از میزان بازدهی دلار دست می‌یابیم که طی دو یا سه یا حتی شش ماه توانستند راهی را که دلار در یک سال رفته بود، بپیمایند که خود این موضوع در کاهش هزینه زمان سرمایه‌گذاری و استفاده از فرصت‌های دیگر سرمایه‌گذاری بسیار قابل توجه است.

برهمین اساس به نظر می‌رسد با بی‌نتیجه ماندن مذاکرات مجددا چشم‌ها به بازار ارز و قیمت دلار دوخته شود و تغییراتی نیز در این بازار شاهد باشیم که افزایش مجدد قیمت ارز را در پی داشته باشد. در این صورت مجددا اقبال به سهام شرکت‌های صادرکننده یا شرکت‌هایی که قیمت محصولاتشان با توجه به قیمت‌های وارداتی همان کالاها تعیین می‌شود باز خواهد شد و از شرکت‌های واردکننده نیز به جهت حمایت از تولید داخل و خودکفایی در تولید کالاهای وارداتی حمایت خواهد شد. البته این بار نسبت به روند سال گذشته یک تغییر محسوس را شاهد خواهیم بود و آن این که دیگر با افزایش احتمالی قیمت ارز، بازار منتظر مشخص شدن تاثیر آن بر صنایع بورسی نخواهد ماند و بدون اتلاف وقت و به سرعت به سمت صنایع مذکور در بازار سرمایه حرکت خواهد کرد و از آن جا که شرکت‌های فعال در طبقه مذکور جزو شرکت‌های بزرگ و تاثیرگذار بر شاخص هستند و هم‌اکنون بخش قابل توجهی از بورس را از آن خود کرده‌اند، با روی آوردن بازار به سمت این شرکت‌ها و افزایش تقاضای خرید بر آن‌ها شاهد رشد شاخص‌های بورس و مثبت شدن روند کلی بازار سرمایه خواهیم بود که این مهم خود می‌تواند شرایطی حتی به مراتب بهتر از سال گذشته، برای شرکت‌ها رقم بزند. اما درصورتی که مذاکرات با توافق دوطرف خاتمه می‌یافت قطعا شاهد بازگشت روند صعودی به شاخص‌های بورس و قیمت سهام شرکت‌هایی همچون صادراتی‌ها به علت کاهش تحریم‌ها و آزادتر شدن صادرات محصولاتشان و همچنین رشد قیمت سهام وارداتی‌ها به علت کم شدن هزینه تولیدشان و نیز به جهت کاهش قیمت ارز بودیم. لذا بی‌نتیجه ماندن مذاکرات آلماتی هم می‌تواند به نفع بازار سرمایه و سهامداران باشد و تنها اندکی مدت‌زمان آغاز حرکت صعودی را دستخوش تغییر کند.

اما سوال مهم دیگری که در حال حاضر بر بازار سرمایه سایه افکنده این است که با توجه به تحولات داخلی پیش رو روند مثبت سال نو می‌تواند ادامه یابد یا خیر؟! برای بررسی دقیق‌تر این موضوع به صورت اجمالی به تحولات مهم پیش رو اشاره می‌شود. مهم‌ترین مسئله پیش‌رو و تاثیرگذار بر بورس در فصل نخست سال جاری موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری است. در حال حاضر شاهد حضور افراد و سلیقه‌های زیادی در عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری هستیم. بی‌شک می‌توان گفت حجم گروه‌ها و رجل سیاسی که تاکنون برای تصدی سمت ریاست‌جمهوری اعلام آمادگی کرده‌اند، بی‌سابقه بوده و حتی این امکان وجود دارد که این تعداد همچنان افزایش یابد. این وضع باعث شده تا نتوانیم تحلیل دقیقی از احتمالات پیش روی کشور در صورت پیروزی هریک از جریان‌ها و افراد جویای تصدی سمت ریاست‌جمهوری داشته باشیم زیرا هیچ کدام از گروه‌ها تاکنون برنامه دقیقی از خود ارائه نکرده‌اند و از سوی دیگر بسیاری از افرادی که تمایل به تصاحب سمت ریاست‌جمهوری را دارند، تمایلات دقیق سیاسی خود را بروز نداده‌اند. این حالت باعث ایجاد یک فضای تعلیق در عرصه‌های مختلف اقتصادی خواهد شد که هم‌اکنون نیز شاهد آن هستیم. در این فضا این احتمال هم وجود دارد که روند مذاکرات هسته‌ای کشورمان نیز تحت‌تاثیر قرار گیرد. بدیهی است که کشورهای مذاکره‌کننده در این حالت ترجیح دهند تا زمان مشخص شدن نتیجه انتخابات توافق مهمی را انجام ندهند. هرچند عملا شاهد هستیم که تصمیم گیری‌های کلان در این‌باره در جایی به غیر از دولت انجام می‌شود و غربی‌ها نیز تاکنون به این روند پی برده‌اند. در مجموع آنچه در این میان، رخ دادن آن از سایر گزینه‌ها محتمل‌تر به نظر می‌رسد این است که دولت آینده باید حرفی نو داشته باشد که محور آن هم کاهش فشار اقتصادی بر مردم و آرامش سیاسی باشد چراکه مردم در این هشت سال با اختلافات سیاسی و فشارهای اقتصادی شدیدی روبه‌رو بوده‌اند.

این روزها در حالی شاهد پایان مذاکرات مقامات ایران با گروه ۱+۵ بودیم که طبق پیش‌بینی‌ها این دور از مذاکرات نیز همانند نشست‌های قبلی بدون نتیجه‌ای خاص به پایان رسید تا مجددا نگاه‌ها به بازار سرمایه به نیم‌نگاه تبدیل شود و نیم‌نگاه دیگر معطوف بازارهای موازی با بورس شود. بی‌نتیجه ماندن مذاکرات تا این لحظه تکلیف صنایع بورسی و شاخص‌های بورس را تا حدودی مشخص کرد و به عبارت ساده‌تر بهترین حالت برای بزرگان بورس اتفاق افتاد. براین اساس به نظر می‌رسد در حال حاضر نیم‌نگاه سرمایه‌گذاران به سهام قندی، پالایشگاهی، پتروشیمی و برخی از فلزات اساسی و نیم‌نگاه دیگر آن‌ها به آغاز معاملات بازار ارز باشد. اما بانکی‌ها و تجهیزاتی‌ها پس از یک دوره رشد قیمت کوتاه‌مدت احتمالا مجددا به فاز استراحت خواهند رفت تا منتظر تصمیم فعالان بازار سرمایه بمانند. اگرچه در هفته جاری احتمال حرکت متعادل در سهام اغلب شرکت‌ها وجود دارد اما به نظر می‌رسد به‌زودی شاهد حرکتی همانند نیمه دوم سال گذشته از سهام شرکت‌های فعال در گروه پتروشیمی، پالایشگاهی، فلزی و برخی صنایع کوچک همچون قندی‌ها، کاشی سرامیکی‌ها و لوازم خانگی باشیم که نتیجه آن رشد شاخص‌های بورس خواهد بود. در پایان با توجه به شرایط ذکرشده می‌توان نتیجه گرفت که حساسیت بازار سرمایه در فصل بهار روز به روز بیشتر خواهد شد و چنانچه اقدامات دستوری و کنترلی را شاهد نباشیم، نمی‌توان انتظار داشت بازار سرمایه دست کم در این بهار سرگردان روند یکنواختی را از خود بروز دهد. ولی این روند پرنوسان می‌تواند برآیند صعودی داشته باشد. در حالت بدبینانه نیز می‌توان انتظار ایجاد حالت تعلیقی در بورس را داشت؛ یعنی بورسی‌ها راهی ندارند جز آن که به اتلاف وقت بپردازند تا نتیجه انتخابات مشخص شود و پس از آن روند خود را انتخاب کنند.